



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در امر سادس بود که در آن شیخ انصاری(ره) فرمودند: « السادس لو تعذر المثل فی المثلی ، فمقتضى القاعدة وجوب دفع القيمة مع مطالبة المالك ؛ لأن منع المالك ظلم ، و إلیزام الضامن بالمثل منفی بالتعذر ، فوجب القيمة ؛ جمعاً بین الحقیقین ، مضافاً إلی قوله تعالی : (فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ) فَإِنَّ الضامن إذا ألزم بالقيمة مع تعذر المثل لم يعتد علیه أزيد مما اعتدى » ، این مبنای شیخ در این مسئله بود که به عرضتان رسید البته مبانی در اینجا مختلف بود که تا حدودی به عرضتان رسید ، بنابراین بحث اول این است که آیا مثل تبدل به قیمت پیدا می کند یا نه و اگر هم تبدل پیدا کرد چه وقتی متبدل می شود ؟ .

حضرت امام(ره) و محقق نائینی فرمودند ضامن در اینجا مثل را بدهکار است و دلیلی برای تبدیل مثل به قیمت نداریم البته آمد قریب با آمد بعید فرق می کند یعنی کیفیت ضمان محوّل به عرف است و عرف نیز در آمد قریب حکم به صبر تا حصول مال مضمون می کند اما اگر آمد بعید باشد و یا قریب باشد منتهی بینشان تنازع بوجود آمده باشد از دو حال خارج نیست ؛ اول اینکه با هم توافق می کنند و مالک صبر می کند تا اینکه ضامن مثل را به او پرداخت کند و دوم اینکه مثل را به یک قیمتی با هم مصالحه می کنند و ضامن آن قیمت را به مالک می پردازد و یا مالک مثل ما فی الذمه را می فروشد و آخر الأمر اگر تنازعشان از بین نرفت به حاکم

شرع مراجعه می کنند و او بینشان فصل خصومت می کند ، بنابراین در مانحن فیه (تعذر المثل) دلیلی برای تبدل مثل به قیمت و جواز مطالبه مالک قیمت را و همچنین ملزم بودن ضامن به پرداخت قیمت نداریم .

خوب و اما سید فقیه یزدی (صاحب عروة) و محقق خراسانی (صاحب کفایه) در حاشیه مکاسب مبنا و مشی دیگری در این مسئله دارند و می فرمایند در هر صورت نفس عین تا يوم الأداء در ذمه ضامن باقیست لذا قیمت يوم الأداء را ضامن می باشد و فرق قول ایشان با حضرت امام(ره) در این است که امام(ره) در این است که امام(ره) می فرمودند اگر عین تلف شود مالک مثل را طلبکار است ولی این دو بزرگوار می فرمایند اصلاً تبدل به مثل پیدا نمی کند بلکه همیشه نفس عین در ذمه باقیست تا يوم الأداء فلذا قیمت يوم الأداء میزان می باشد .

همانطور که قبلاً عرض شد شیخ انصاری(ره) در مانحن فیه (تعذر المثل) فرمودند مثل متبدل به قیمت می شود منتهی الان بحث در این است که در چه زمانی مثل متبدل به قیمت می شود ؟ عده ای گفته اند در يوم الإيعاز یعنی روزی که نایاب شده قهراً تبدیل به قیمت می شود لذا قیمت يوم الإيعاز میزان است اما شیخ انصاری می فرماید مثل در يوم الإيعاز متبدل به قیمت نمی شود بلکه وقتی مالک آن را مطالبه کرد متبدل به قیمت می شود فلذا ایشان قیمت يوم المطالبة را میزان می داند ، اینها مبانی و اقوال مختلف در این مسئله (تعذر المثل) بود که با دلائلش به عرضتان رسید و ما مبنا و قول امام(ره) و محقق نائینی و صاحب جواهر که

القیم من یوم الضمان و الأخذ إلى یوم تعذر المثل میزان است ، خوب اینها اقوال مختلف درباره قیمت بود که قائلین و مبانی و دلائلشان تا حدودی برای ما معلوم شد البته صاحب جواهر ۹ قول و سید فقیه یزدی ۱۵ قول در این مسئله بیان کرده اند .

شارع مقدس در مورد ضمان فرموده که خلأ و خسارت بوجود آمده توسط ضامن باید جبران شود منتهی کیفیت ضمان محوّل به عرف می باشد یعنی ما باید ببینیم عرف و عقلاء (نه عقل) در مورد کیفیت ضمان چه حکمی می کنند و تفاوت عقل و بنای عقلاء در این است که اگر چیزی دلیلش صغری و کبری و حسن و قبح عقلی باشد می شود دلیل عقلی اما چیزی که به روش و رویه عقلاء مربوط شود می شود بنای عقلاء و ما در مانحن فیه باید ببینیم که بناء عقلاء و حکم آنها در مورد کیفیت ضمان چیست .

خوب و اما بعضی از برادران فرمودند می توانیم میانگین قیمتها را محاسبه کنیم ولی بنده عرض می کنم که اینجا جای میانگین گرفتن نیست زیرا این مسئله یک بحث اجتهادی است و مجتهدین طبق مبانی خودشان اختلاف نظر دارند و هرکدام فقط قول خودشان را حق و صحیح و حجّت می دانند فلذا ما باید ببینیم کدامیک از این اقوال در نظر ما با دلائل مطابق تر می باشد و بعد آن را اختیار کنیم که به نظر بنده ما باید فرمایش حضرت امام(ره) را اختیار کنیم زیرا اقوی می باشد چرا که ما در السادس در مورد مثلی بحث می کنیم و اقوال مذکور مورد قیمت مربوط به السابع : إذا تلف و كان قیماً ، می باشد که ما إن شاء الله در آینده به آن می رسیم و آن را مورد بررسی و بحث قرار می دهیم ، بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله ...

والحمد لله رب العالمین و صلّی الله علی

محمد آله الطاهرین

می فرمودند اصلاً مثل متبدّل به قیمت نمی شود را اقوی می دانیم .

خوب و اما طبق مبانی کسانی که فرمودند مثل تبدیل به قیمت می شود بحث طولانی درباره قیمت بوجود آمده و اقوال مختلفی درباره اینکه قیمت چه روزی میزان است در مسئله بوجود آمده : قول اول اینکه قیمت یوم الأخذ که به آن یوم القبض نیز می گویند میزان است ، قول دوم اینکه قیمت یوم تلف العین میزان است ، قول سوم اینکه یوم تعذر المثل که به آن یوم الإعواز (نایاب شدن) نیز می گویند میزان است ، قول چهارم اینکه قیمت یوم المطالبه (قول شیخ انصاری) میزان است ، قول پنجم اینکه قیمت یوم الدفع و الأداء میزان است ، خوب حالا فرض کنید اول فروردین معامله واقع شده که می شود یوم الأخذ بعد اول اردیبهشت عین تلف شده که می شود یوم تلف العین و بعد اول خرداد می شود یوم التعذر المثل و اول تیر می شود یوم المطالبه و بعد اول مرداد می شود یوم الدفع .

خوب و اما بعضی ها با توجه به اینکه ترقّی و تنزّل قیمت سوقیه و یا نمائات حاصله از عین را مضمون می دانند به سراغ أعلى القیم رفته اند لذا در اینجا نیز اقوالی بوجود آمده : اول اینکه أعلى القیم من زمان الأخذ إلى زمان الدفع میزان است ، دوم اینکه أعلى القیم من زمان التلف إلى زمان الأداء میزان است ، سوم اینکه أعلى القیم من یوم تلف العین إلى زمان الإعواز (نایاب شدن) میزان است ، چهارم أعلى القیم من یوم الأخذ إلى یوم التلف میزان است ، پنجم أعلى القیم من وقت الغصب إلى زمان الإعواز (نایاب شدن) میزان است ، ششم أعلى